



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.....

نشریه عین

نشریه تخصصی مدرسه اسماء الحسنی

سال اول

آبان ماه ۱۴۰۴

شماره دوم



مجمع‌الرفق
والتشاور
والتشاور



مدرسه اسماء الحسنی

صفحه ۳- خالق بمب اتم نخبه نیست؛ نخبه آن کسی است که.....

صفحه ۴- جامعه سازی علمی حزب الله در لبنان

صفحه ۵- پس زمینه همه خیرات و کمالات

صفحه ۷- تحقق عبودیت و فهم کمال چه طور امکان پذیر است؟
انسان چگونه می تواند عاقبت اندیش شود؟

صفحه ۹- هستی شناسی در طول تاریخ

صفحه ۱۱- حس امنیتی عمیق، تماشای آسمان و سیر در حقیقت
وجودی اش

صفحه ۱۲- دریافتی از واژه متشابه

صفحه ۱۷- طرح پژوهشی آلاء در زمینه گیاهان دارویی

صفحه ۲۰- اخبار آبان ماه



خالق بمب اتم نخبه نیست؛ نخبه آن کسی است که.....

نخبه را ثروت عظیمی باید دانست. وقتی آن را ثروت عظیمی دانستیم، در تولیدش تلاش می‌کنیم، از دست دادنش را خسارت می‌شمیریم، و حتی المقدور مانع می‌شویم از اینکه این از دست برود و با او رفتار کریمانه خواهیم داشت؛ وقتی فهمیدیم ثروت باعظمت و مهمتی است، رفتار ما هم با او به همین تناسب شکل خواهد گرفت.

یک عنصر در ایجاد نخبه استعداد طبیعی او است؛ فکر خوب، ذهن خوب، مغز خوب، که این عطیه‌ی الهی است.

عنصر دوم برای اینکه کسی نخبه بشود همت و تلاش او است، کار خود او است؛ والا خیلی‌ها هستند همین عطیه‌ی خدادادی را دارند، [اما] کار نمی‌کنند، تلاش نمی‌کنند، همت نمی‌کنند، به جایی نمی‌رسند؛ نه خودشان رشد می‌کنند، نه به کشور کمکی می‌کنند.

یک عامل مهم برای اینکه حالا این نخبه‌ای که متشکل از این عناصر است، بتواند آن استعداد ذاتی را بروز بدهد و فرصت تلاش پیدا کند، زمینه است؛ زمینه‌ی تلاش نخبه؛ این خیلی مهم است. گاهی نخبه‌ای هست، آمادگی کار هم دارد اما زمینه برایش فراهم نمی‌شود. خب، این زمینه‌ای که عرض کردیم که بایستی به وجود بیاید، در دوران طاغوت وجود نداشت؛ اگر هم بود، خیلی جزو سیاست‌های رسمی

طاغوت نبود؛ زمینه وجود نداشت. [...] به برکت انقلاب اسلامی زمینه فراهم شد.

اما عنصر سوم؛ آن عبارت است از هدایت و توفیق الهی. بدون تردید برای اینکه شما نخبه بشوید و نخبه شمرده بشوید، احتیاج دارید به توفیق الهی و به هدایت الهی. نخبه آن کسی است که به معنای واقعی کلمه برگزیده باشد؛ نخبه یعنی منتخب؛ نخبه یعنی برگزیده و ممتاز. [...] نخبه آن کسی است که این حرکت را با توفیق الهی دنبال کند و با هدایت الهی پیش برود.

من می‌گویم آن کسی که در دانش فیزیک نابغه می‌شود و بمب اتم درست می‌کند، این به نظر ما نخبه نیست. آن کسی که از دانش شیمی استفاده می‌کند، گاز خردل و گازهای شیمیایی درست می‌کند که انسان‌هایی را تا آخر عمر گرفتار می‌کند، این نخبه نیست. [...] این که این جور از دانش سوء استفاده می‌کند، نخبه نیست.

بیانات در در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی

۱۴۰۱/۰۷/۲۷



جامعه‌سازی علمی حزب‌الله در لبنان

شهید نصرالله به فکر تأسیس چند دانشگاه در لبنان بود اما دولت لبنان تنها اجازه تأسیس یک دانشگاه را به او داده بود. به همین مناسبت ایشان از شهید طهرانچی دعوت به همکاری کرده بود. در ادامه بخشی از خاطره ایشان از ملاقاتش با شهید سید حسن نصرالله را می‌خوانیم.

من یک بار توفیق دیدار از نزدیک سید حسن نصرالله در لبنان را داشتم که در مورد موضوعات علمی و توسعه آموزش دانشگاهی در لبنان بود. ایشان یک خاطره‌ای را تعریف کرد که نشان می‌دهد چقدر مسأله توسعه دانش و تخصص برای آنها اهمیت داشته و چقدر قدرت‌آفرین است و برایش برنامه‌ریزی کرده‌اند.

سیدحسن نصرالله گفتند: «اول که من آمدم، همه‌ی بچه‌های شیعه یا کارگر بودند یا درحوزه‌ی خدمات شهری کار می‌کردند؛ ولی الان کنکور که برگزار می‌شود، از حزب‌های دیگر به من می‌گویند که در بین ده نفر اول، یک جای خالی برای الکساندر یا عثمان بگذار؛ یعنی همه شده‌اند فاطمه، حسن، محمد و حسین. **الان ده نفر اول کنکور لبنان، بچه‌های شیعه هستند.** در این سی سال، جامعه‌ی شیعه از جامعه‌ی کارگری به جامعه‌ی تخصصی ارتقاء پیدا کرده و جامعه‌ی تخصصی لبنان روی دست شیعه قرار گرفته است.»

سیدحسن با افتخار نقل می‌کرد که بچه‌های شیعه نسلی هستند که دارند بهترین پزشک‌ها و بهترین مهندس‌های لبنان می‌شوند.

ایشان در جامعه‌سازی شیعی در لبنان، به ابعاد تخصص و علم هم توجه ویژه‌ای داشتند که واقعا قابل مطالعه است.

بخشی از مصاحبه با شهید طهرانچی در مورد شهید سیدحسن نصرالله منتشرشده در ویژه‌نامه مسیر نصرالله.



پس زمینه همه خیرات و کمالات

تَعَلَّمَ - يتعلَّمون: باب تفعیل

عَلِمَ - يَعْلَمُ - يَعْلَمُونَ: باب تفعیل

عَالَمِينَ - اَعْلَام - اَعْلَامَات: اسامی برگرفته از علم لازم به ذکر است که در قرآن علم به خداوند، ملائکه و انسان نسبت داده شده است و به واسطه تعلیم خدا به دیگران، آن‌ها نیز از علم بهره‌مند می‌شوند. پس «علم هر چه هست از خداست و هر علمی هم که نزد عالمی یافت شود آن هم از علم خدا است، و نظیر این مطلب از کلام خدا درباره اختصاص قدرت و عزت و حیات به خدای تعالی استفاده می‌شود.»

آنچه در این بین اهمیت می‌یابد رجوع انسان برای یادگیری علم و دست‌یافتن به آن است. چرا که سرنوشت هر انسانی به علم گره خورده و در صورت نبود آن در رنج و سختی است و هدایت انسان در هر زمینه‌ای را به عهده دارد همچنین رمز موفقیت و پیروزی‌هاست.

جهت تحقق این امر مولفه‌های زیر لازم است مورد توجه قرار گیرند:

- منبعی که بتوان با رجوع به آن از تعلیم الهی و علم حقیقی بهره‌مند شد. بدون چنین منبعی و رجوعی امکان دستیابی به علم منتفی است.

هرگاه در قرآن و کلام معصومین علیهم‌السلام از علم سخن رانده می‌شود گویی از مقدس‌ترین کلمه در هستی سخن رانده شده‌است. این کلمه مقدس علتی برای حیات، قدرت، رحمت، فضل و همه فیوضاتی است که در هستی نازل شده و در زندگی انسان بازتاب یافته است. پس زمینه همه خیرات و کمالات در زندگی انسان وابسته به علم است و نیز جزایی که نصیب هر انسانی می‌شود وابسته به علم اوست.

در لغت‌نامه، علم به معنای حضور و احاطه بر چیزی است و احاطه به واسطه اختلاف حدود و قوا متفاوت می‌شود. این ریشه با مشتقات زیر با ۸۵۴ کلمه در ۷۲۸ آیه و در ۸۵ سوره ذکر شده است:

یَعْلَمُ - يَعْلَمُونَ - اَعْلَمُ - اَعْلَمُوا - لِيَعْلَمَ : ماضی، مضارع و امر علم

اَعْلَمُ: افعال تفضیل علم

عَالِمٌ - عَالِمُونَ: اسم فاعل علم

عِلْمَاءُ: جمع مکسر عالمون

عَلِیمٌ: صفت مشبّهه

مَعْلُومٌ - مَعْلُومَات: اسم مفعول علم



انتقال یافته است. انزال که به نزول دفعی و تنزیل که به نزول تدریجی قرآن دلالت دارد، سبب شده تا همه زندگی پیامبر، تبیینی از نظام وحیانی ربوبی باشد و هر اقدامی که ایشان به صورت تفصیلی انجام داده‌اند بیانی از قرآن و وحی به حساب آید. تلاوتی که به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رقم خورده، انسان‌ها را تحت تزکیه و تعلیم قرار داده و به واسطه آن، انسان‌ها را در مسیر رشد و شکوفایی و بروز کمالات قرار می‌دهد.

معلوم می‌شود کتاب، وحی، ذکر و رسول نقش تعیین کننده‌ای در برخورداری انسان از انواع و مراتب علم و حیات دارند. هر چه شناخت ما از قرآن و جایگاه رفیع آن بیشتر شود امکان بهره‌مندی‌مان نیز افزون می‌گردد.

در شماره بعدی به تحلیل نیاز و سوال و نحوه اصلاح آن در رجوع به این منبع عالی‌قدر به عنوان ظرف دریافت علم می‌پردازیم.

- نیازی که برانگیزاننده برای حرکت و تلاش در جهت علم آموزی باشد. علم حقیقی قطعاً نافع بوده و نیازی واقعی و حقیقی را از انسان مرتفع می‌نماید. همچنین احساس نیاز عامل حرکت برای پاسخ به آن است و تا انسان نیازهای خود را به درستی نشناسد و راه پاسخگویی مناسب به آن را نیابد در جستجوی علم گامی برنخواهد داشت.

- شیوه‌ای که با اتخاذ آن بتوان به درستی از منبع مورد رجوع پاسخی برای سوال و نیاز مطرح شده به دست آورد.

در ادامه به مورد اول می‌پردازیم و شرح و توضیح سایر موارد را در متون بعدی دنبال خواهیم نمود.

قرآن، کتاب جامع حقایق

«خداوند وحی خود را در سلسله انبیای الهی جاری نموده و کلام خود در این سلسله را به یکدیگر متصل ساخته و در نهایت کامل‌ترین جلوه آن را در قرآن نازل کرده است. خداوند با وحی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سلسله انبیاء و کتب آسمانی را به نهایت بلوغ خود رسانیده است.»

به واسطه القای قرآن از جانب خدای حکیم علیم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تمام حقایق مورد نیاز انسان به رسول



تحقق عبودیت و فهم کمال چه طور امکان پذیر است؟ انسان چگونه می تواند عاقبت اندیش شود؟

با شناخت اوامر و نواهی و حقایق مرتبط امکان پذیر می شود و از کارهای ساده شروع شده و به تدریج همه گستره زندگی را فرا می گیرد. مسأله، رجوع به قرآن و عمل به آن است. این رجوع بدون مانع هم نیست.

گاهی انسان به سبب جهل و نادانی، پیش فرض های غلط و خواهش های نفسانی از رجوع به کتاب محروم می گردد. گاهی دارایی های مادی و معنوی که در اختیار دارد او را به خود مشغول کرده و از رجوع به کتاب و وحی باز می دارد. گاهی با اتکا به داشته های بشری باید و نبایدهایی را در زندگی جاری کرده و در نگرش ها و ارزش ها دخل و تصرف ایجاد نموده و از کتاب حقایق فاصله می گیرد. اینگونه گام به گام زندگی بشر از حقایق فاصله گرفته تا حدی که دیگر ظاهر کلام خدا را هم نمی فهمد چه رسد به اینکه با عمل به آن صحن زندگی خود را متحول نماید. این در حالی است که حقایق در کتاب خدا به وضوح تبیین شده و حجت های الهی در آن واضح و آشکار است.

در فاتحه کتاب قرآن و در هر نماز، کمال را منحصر در خدا دانسته و آن را اعلام می داریم. خدایی که بر بندگان مهربان است و آنان را به سوی کمال خود حرکت می دهد واجد تمام کمالات و خوبی هاست.

لازم است چنین خدایی عبودیت شود و انسان تنها فرمانبر او باشد. حتی انسان در عبودیت خدای یکتا بی نیاز نبوده و با استعانت او توان فرمانبرداری را می یابد. به واسطه اسم و با استعانت از آن رحمت جاری در هستی برای انسان دوام یافته و دستیابی به کمال و فهم مقام حمد برای انسان رقم می خورد

سوالی که اینجا پیش می آید آن است که انسان چگونه می تواند در مسیر غرض خلقت خود که همان عبودیت است حرکت نماید و تمام قوای خود را صرف آن کند. از توجه به بیراهه ها دور بماند و مشغول نیازهای کاذب نگردد. در نهایت امر به عبودیت را در خود محقق نماید.

در گام نخست باید به این نکته توجه شود که آنچه برای تحقق عبودیت لازم بوده در کتاب قرآن نازل شده است. عبودیت به معنای سرسپردن نسبت به اوامر و نواهی خداوند و پذیرش ولایت اوست که



می‌توان گفت که تحقق عبودیت و فهم کمال تنها با محوریت کتاب خدا امکان‌پذیر می‌گردد. انسان لازم است خود را نیازمند عمل به حقایق کتاب دانسته به این منظور توان‌های خود را فعال کرده و با مدیریت تدبیر امور خود را جهت تحقق عمل به کتاب و انتقال حقایق آن به عرصه زندگی سامان بخشد.

گام دوم توجه به توان‌های انسان است. خداوند انسان را به توان‌هایی مجهز نموده که با شناخت و به کارگیری درست آن‌ها امکان راه‌یابی به مقصد برای او فراهم می‌گردد. یکی از مهم‌ترین وظایف انسان شناخت مولفه‌های ساختار وجودی خود و نحوه فعال کردن و بهره‌مندی از آن‌هاست. با فعال‌سازی تفکر، تعقل و تذکر می‌توان به فهم آیات کتاب خدا که در شرح عبودیت است دست یافت و در صدد تحقق آن برآمد.

گام سوم توجه به نیاز است. احساس بی‌نیازی عامل طغیان است. لازم است انسان خود را نیازمند به عمل بداند و کتاب قرآن را دلالت دهنده به آن بیابد. در این راستا استخراج عمل از قرآن را امری حیاتی که خداوند به او اذن آن را داده بداند.

یکی از کارهایی که کتاب خدا برای هدایت انسان‌ها انجام می‌دهد شناساندن نیازهای حقیقی فرد و جامعه است که در حین عمل به آن می‌توان به آن دست یافت.

گام نهایی سامان‌دهی نیازها و توان‌ها در عمل به اوامر و نواهی الهی است. این امر بر عهده تدبیر گذاشته شده است. تدبیر به معنای توجه به عاقبت چیزی است که این امکان را به انسان می‌دهد تا تمام توان خود را در راستای تحقق عاقبت مورد نیاز مدیریت و سامان‌دهی نموده و حقایق فهم شده را به عرصه زندگی انتقال دهد.

در جمع‌بندی مطالب مطرح شده این‌گونه



هستی‌شناسی در طول تاریخ

این نگاه‌های افراطی و تفریطی رویکرد و مبنای نادرستی را در هستی‌شناسی و علوم پایه رواج داده است، مثلاً:

- هستی را منحصر در جهان مادی دیدن
- هستی را منفک از هستی‌آفرین دیدن (استقلال نظام اسباب)
- ابزار و راه شناخت را صرفاً حس و تجربه دانستن. (نفی عقل و وحی)
- نتیجه بهره‌مندی از هستی را بر تولید ثروت و منافع مادی دانستن.
- و..

به گونه‌ای که این رویکرد، نظام استکبار و تولید ثروت را در عالم رواج داده و انسان‌ها را از مسیر هدایت خود دور کرده است. در این میان افرادی هم بودند که نگاه و رویکرد صحیحی به هستی داشته و باورشان این است که خداوند نظام قانون‌ها را قرار داده و خودش نیز به آن پایبند است اما هیچگاه احکام و نتایج را به آن واگذار نکرده است. خدا برای انجام کارها نیازی به اسباب ندارد و اراده‌اش کافی است و خدا کارش را به اسباب واگذار نکرده است.

وقتی به کلام وحی رجوع می‌کنیم، متوجه می‌شویم اتفاقاً خداوند در همه سوره‌ها به موضوع هستی‌شناسی از ابعاد مختلف پرداخته است. تدبر در هستی موضوعی است که به هستی‌شناسی از منظر کلام خداوند می‌پردازد.

با نگاهی به سیر انسان در طول زمان و با تورق کتاب‌های قدیمی مشاهده می‌کنیم موضوع هستی و شناخت آن، از موضوعات و دغدغه‌های مهم انسان‌ها بوده است. فیلسوفان، دانشمندان و عارفان بسیاری را مشاهده می‌کنیم که به شناخت این موضوع پرداخته‌اند و هریک از دریچه‌ای به هست و هستی‌شناسی پرداخته‌اند. گویی انسان‌ها به ضرورت شناخت هستی پی برده و هریک از مسیری در این جریان وارد شده‌اند.

فیلسوفان در این زمینه به فلسفه وجود و علت و معلول پرداخته و همه چیز را در دستگاه وجود دیده‌اند و دانشمندان و طبیعی‌دانان به شناخت جهان پیرامون و آنچه با چشم ظاهر مشاهده می‌کنند.

در این بین نگاه افراطی و تفریطی بسیاری وجود دارد به گونه‌ای که عده‌ای مانند اشعری مسلکان باور و نظرشان این است که قوانین در عالم هیچ کاره است و فقط خداست. تعدادی هم مانند معتزلی‌ها دیدگاهشان این است که همه چیز تحت بیرهق قانون‌ها است، می‌گویند خدا، خدایی‌اش را کرده و بقیه را به قوانین واگذار کرده است. پس قوانین را بشناس و خدایی کن مثل آمریکا و اسرائیل.



دیدگاه‌های فلسفی تحت تاثیر قرآن قرار می‌گیرد.

• در مطالعه براساس رویکرد علم، دیدگاه علمی قرآنی ایجاد می‌شود. علمی که در عالم جاری است و آن علم وجود است و نه علمی که به آن science گفته می‌شود.

• در مطالعه براساس رویکرد هدایت، دیدگاه تحولی و تکاملی ایجاد می‌شود. دیدگاه‌هایی که کمال‌محور و حسن‌محور و غایت‌محور هستند و اصل تدبیر در این بخش است. هدایت نزدیک‌ترین واژه به کتب تدبیر در هستی است، چراکه غایت عالم بر اساس آن است.»

در مطالب بعدی به معرفی کتب تدبیر در هستی خواهیم پرداخت.

کتاب‌های تدبیر در هستی کتاب‌هایی هستند که محصول پژوهش در قرآن کریم در حوزه هستی‌شناسی و دستگاه آن برای بهره‌مندی در مسائل انسان می‌باشد.

در حوزه هستی‌شناسی و کتاب‌های تدبیر در هستی سه رویکرد می‌توان داشت:

۱. علم: رویکرد اولی که به کتاب‌های تدبیر در هستی وجود دارد این است که اساس علمی که در زندگی بشر جاری شده، چیست؟ بررسی کتاب‌ها از جهت پایه جریان علم در هر حوزه‌ای (در حوزه علوم طبیعی، فنی، انسانی، اجتماعی و...) است. این علم، پایه بقیه علوم و جاری‌کننده علم در ساحت انسان است.

۲. حق (هست، وجود) شناسی: رویکرد دوم بررسی وجودشناسی و هست‌شناسی در قرآن است. جاری شدن حق در عالم. از این جهت این کتب، کتب فلسفی هستند. البته فلسفه آن مبتنی بر قرآن است. این رویکرد با علوم پایه مرتبط است.

۳. هدایت: رویکرد سوم ناظر به هدایت انسان به واسطه همه مخلوقات است. در این رویکرد انسان خود را جزیی از مخلوقات می‌داند و قوانین تکوین عالم را که بر مخلوقات جاری است برای خودش هماهنگ می‌داند و هدایت تکوینی عالم را بررسی می‌کند. هر کدام از این رویکردها منجر به ایجاد تحول می‌شوند:

• در مطالعه براساس رویکرد حق، تحول در دیدگاه‌های فلسفی ایجاد می‌شود.



حس امنیتی عمیق، تماشای آسمان و سیر در حقیقت وجودی اش

عمیقی می‌بخشد! پروردگارِ آسمان، استعداد ایفای هر کدام از این نقش‌ها را نشانش داده و او با آگاهی به این استعدادها و ظرفیت‌ها، نقش‌ها را پذیرفته و هر لحظه اجرا می‌کند. برای ایفای آن‌ها، از همبافت و همتافته‌اش، زمین، جدا شده و رسم هماهنگی و همکاری، گیرندگی و فرستندگی را آموخته است.

مرتبه‌ها دارد، یکی بالاتر از دیگری و هر مرتبه را اسراری است و ساکنانی از جنس ملکوت که امر پروردگار را مرتبه به مرتبه جاری می‌کنند و رزق هر موجودی را از آسمان می‌آورند و به او می‌رسانند و آن‌گاه که رزقش آسمانی شدن باشد در مسیرش ستارگانی راهنما از جنس زمین قرار می‌دهد می‌خواهم این همه شکوه آسمان را نشان فرزندانم بدهم. از کجا شروع کنم؟ چگونه گوش‌هایشان را از دانسته‌های انباشته نجوم صفر کنم و آن‌ها را به تماشای شکوه نشانه‌های آفرینندگی خدا در این آسمان بنشانم؟ که حواس‌شان باشد که پروردگارشان چقدر آن‌ها را کریم داشته و ارزشمند شمرده که ستاره‌ها را با آن عظمت حیرت‌آور و ابعاد کهکشانی به صف کرده تا راه را بیابند. چه کنم که زندگی با این آسمان، مشق هر روز و هر ساله‌شان شود و آن‌ها را به ثریا برساند؟

شب بود و سرگرم بحث و گفتگو بودیم. در کارگروه سه نفره‌مان، «حیات». همان جایی که می‌توانم فهم و ادراکم از پدیده‌های اطراف را با قرآن تنظیم کنم و در تلاشم حس شیرینش را برای دانش‌آموزان، ساده و ملموس سازم. در میان گفتگوها، تیر آسمان شب، نگاهم را به خودش دوخت. صورت فلکی شکارچی (جبار)، با آن سه ستاره درخشان کمربندش. از کودکی دوستش داشتم. با یک نگاه در آسمان، می‌شد پیدایش کرد. سه ستاره‌ی هم‌خط در صفی دقیق، در حالی که نمی‌دانیم در میان‌شان چه فاصله‌های نوری گسترده‌ای وجود دارد. از شکارچی تشکر کردم که با گذشت بیش از سی سال شکلش را حفظ کرده است. همان فاصله‌ها، همان هندسه آشنا. در ذهنم مرور می‌کردم هر چه را از قرآن در مورد آسمان آموخته‌ام؛ آسمان، پوششی است پهناور، سقفی است محافظ، بدون هیچ تکیه گاه و ستون، همه ما و موجودات زنده را در پهنه بی‌کرانش در برگرفته است. ابرها را جای می‌دهد و آب‌ها را می‌رساند، ستاره‌ها، ماه و خورشید را در دل خود، با حساب و دقت، نظم می‌دهد. اگر یک روز در جای خود نباشد، اگر یک لحظه در یکی از این کارهای بزرگش وقفه بیاندازد، چه بر سر ما می‌آید؟

مبهوت این ثباتم که چه حس امنیتی



دریافتی از واژه متشابه

دریافتی از معنای واژه متشابه در قرآن

مقدمه

اصطلاح متشابه در متون دینی بیشتر ناظر به آیات و روایات متشابه از سویی و تشابهات افراد یک نوع پدیده اعم از انسان و غیر انسان است. به علاوه بحث مبسوطی درباره عدم تشابه اسماء و صفات خدای متعال با انسان در روایات مطرح است. درباره مشتبه شدن امور نیز در روایات صحبت شده است. تشابه در ریاضیات ناظر به هم‌شکلی، با وجود هم‌نوعی و قابل تبدیل بودن است. برخی از لغت‌نامه‌ها متشابه را به موارد زیر ترجمه کرده اند:

- ۱ - (اسم) مانند شونده به چیزی . ۲ - مانند مانده . ۳ - کلامی که معنی آن آشکار نباشد . ۴ - آیه ای که معنیش بر عموم واضح نباشد مقابل محکم . ۵ - دو کلمه که در تلفظ تقریباً یکی باشند و در نوشتن مختلف : خوار خار، خورده خرده، خوان خان . ۱۰

واژه «متشابه» در علوم قرآن، مشترک لفظی است. گاهی، مراد از متشابه، عباراتی از قرآن کریم است که معنای واحد و روشنی نداشته و احتمالات مختلفی برای آن متصور است، که با رجوع به آیات دیگر و سایر قرائن، می‌توان معنای صحیح آن را

کشف کرد. متشابه، در این کاربرد، مقابل «محکم» است. کاربرد دیگر آن، در مورد آن دسته از مضامین قرآنی است که در دو یا چند جای قرآن با ساختار واحد یا مشابه تکرار شده است.

ریشه «شبه» ۱۲ بار با اشتقاقات «مُتَشَابِه، تَشَابَه، شُبَّه و مُشْتَبِه» در قرآن به کار رفته است. در این نوشتار درباره معنای «متشابه» به عنوان یک پدیده صحبت خواهیم کرد و تقریباً از بحث‌های رایج درباره متشابه که به آیات متشابه اختصاص دارد، صرف نظر کرده‌ایم.

معنای شبه در لغت‌نامه های غیر قرآنی

با مشاهده لغت‌نامه‌های مختلف و تعدد معنای به کار رفته می‌توان این تعداد را در معانی زیر خلاصه نمود:

- شباهت در شکل، ظاهر یا صفات
- ایجاد مشکل یا ابهام
- به اشتباه افتادن
- به اشتباه انداختن با حقیقت پوشی و نیرنگ زدن.



معنای ریشه و اشتقاقیات شبه در لغتنامه قرآنی

در التحقيق «شبه» به «جایگزین هم شدن دو شیء به دلیل اشتراکات و تناسبات ظاهری» معنا شده است. بر این اساس سایر اشتقاقیات به شکل زیر معنا می شود:

شبه: وجه اشتراک بین افراد یک صنف تشابه: در خاصیتی مشترک بودن

متشابه: مشترک بودن خواص افراد یک صنف با وجود تنوعی که بین آنها هست/ مبهم و غیر صریح

مشتبّه: مشترک بودن خواص افراد یک صنف بدون تأکید بر وجود تنوع در بین آنها تشبیه: قرار دادن چیزی به جای چیز دیگر به دلیل وجود نقاط مشترک علی الخصوص ظاهری

استباه: پذیرش یا قلمداد کردن چیزی به جای چیز دیگر.

نکاتی از آیات قرآنی دارای ریشه «شبه»

• البقرة: ۲۵ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أَتَوْا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

رزقی که مومنان به عنوان جزای عمل در

قیامت دریافت می دارند به ارزاق دنیوی متشابه است. یعنی همان نیست ولی شبیه آن است. آنچه به عنوان رزق از اثر عمل دنیوی اش در بهشت دریافت می دارد در دنیا نیز مشاهدش را به همان عنوان دریافت کرده بود.

هر عملی اثری در دنیا و در آخرت دارد که اگر صالح باشد رزقی از جانب خداست که در دنیا به شکلی و در آخرت نیز مشابه آن دریافت می شود.

• البقرة: ۷۰ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَ إِنَّا إِن شاءَ الله لَمُهْتَدُونَ

تشابه به معنای غیر متمایز و غیر معین بودن چیزی است که نیاز به تبیین بیشتر برای تشخیص درست دارد.

• البقرة: ۱۱۸ وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْ لَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

ادعای منکران رسالت در همه ادوار شبیه هم است

• العنبران: ۷ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذَكِّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ



متشابه: آیاتی که برداشت اولیه و ظاهری از آنها ممکن است اشتباه باشد و معنای آنها محکم نیست زیرا چیزی را شبیه چیز دیگری نشان می دهد و مخاطب در فهم آن تردید می کند و تا به محکم ارجاع ندهد آن را متوجه نمی شود.

برای اجتناب از به اشتباه افتادن درباره آیات متشابه به علم نیاز است.

تشابه: انحراف قلبی باعث می شود انسان به دنبال مشاهده شباهت ظاهری، برداشت اشتباه کرده و همان مسیر فهم غلط را ادامه دهد.

• النساء: ۱۵۷ وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شَبَّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

شباهت ظاهری اعم از چهره یا ادعا میان دو نفر باعث اشتباه در مسئله قتل عیسی علیه السلام شد. چه این دو نفر هم زمان بوده اند یا خیر.

تشبیه جایگزین کردن با استفاده از شبه است، در آیه مورد نظر خدای متعال می فرماید وانمود کردند او را کشتند. از اینکه عیسی شبیه کس دیگری بود استفاده کردند و او را به جای عیسی وانمود کردند. بله عیسی کشته نشد بلکه برنگشت.

وقتی مجهول به کار رفته کار را از اراده خارج کرده است.

• الأنعام: ۹۹ وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نَخْرُجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَ مِنْ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قَنَاطِيرُ ذَانِبٍ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُنْعِمُ إِنَّا فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ « متشبه و غیر متشابه» به معنای هم شکل و مخالف در شکل نوعی است.

همه زیتون ها به دلیل زیتون بودن شبیه هم هستند و با همه انارها متفاوتند. بنابراین در این شباهت، رنگ، شکل، ابعاد، اجزاء، طعم و خاصیت به گونه ای به هم نزدیکند که همگی از یک نوع به شمار می روند.

در متشبه افراد یک نوع میوه به هم شبیه هستند و با افراد نوع دیگر متفاوتند

• الأنعام: ۱۴۱ وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّيْتُونَ مُخْتَلِفًا أَلْوَنًا وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَّانُ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

همه زیتون ها با انارها متفاوتند و دو نوع غیر متشابهند ولی زیتون ها در زیتون بودن با یکدیگر متشابهند. بعلاوه تنوعی از زیتون را هم می توان دید چون متشابه هستند ولی یکسان نیستند.

در متشابه بر وجود تشابه بین افراد یک صنف بعلاوه وجود تنوع بین همین افراد تأکید می شود



بررسی روایات

• ابراهیم علیه السلام در ۱۲۰ سالگی صاحب فرزند شد در حالیکه بسیار جوان به نظر می آمد و موی سفید نداشت و اسحاق علیه السلام بسیار شبیه او بود به گونه ای که از یکدیگر تشخیص داده نمی شدند. در شباهت وجوه اشتراک نمایان و وجوه افتراق غیر نمایان وجود دارد.

• شباهت بین انسانها مانند شباهت بین وحوش و پرندگان نیست که نتوان یکی را از دیگری تمایز داد. صورت ها و خلقیات انسانها متفاوتند به گونه ای که دو نفر از ایشان را نمی توانی در صفت واحدی جمع کنی و دلیل آن این است که انسانها نیاز دارند در معاملاتشان یکدیگر را از شکل ظاهری شان (آنچه از ایشان قابل مشاهده است و زینت هایشان) بشناسند تا به خطا نیفتند در حالیکه چارپایان چنین نیازی ندارند.

• وجه شباهت به نسبت رویکرد ناظر نسبت به یافتن آن متفاوت است. یافتن شباهت بین انسانها جزئی نگرانه تر از یافتن شباهت بین سایر مخلوقات است که صرفا شباهت نوعی در نظر گرفته می شود.

• علامه طباطبایی می فرماید: مراد از تشابه در حیوانات و عدم تشابه در انسانها، تشابه عرفی و ظاهری است و گر نه تشابه حقیقی نه در افراد انسان است و نه در حیوانات. چنان که برهان و تجربه علمی، چنین امری را اثبات می کند.^۹

• الرعد: ۱۶ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ^۷

شراکت در ربوبیت به معنای شراکت در خالقیت و مخلوق داشتن است. مشرکان باید در شرکشان برای شرکای خود مخلوقاتی نیز فرض کنند همانطور که خدای متعال خالق است و مخلوق دارد.

تشابه وقتی تشابه است که اشتراکی ظاهر و مشاهده شود هرچند پیش از آن نیز بوده ولی پنهانی باشد.

• الزمر: ۲۳ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

سراسر قرآن آیاتش از این جهت که اختلافی با هم ندارند، و هیچ آیه‌ای با آیه دیگر ضدیت ندارد مشابه یکدیگر هستند.

مولفه های استخراج شده از آیات

خصوصیات مشترک عیان شده و قابل مشاهده + مثل هم نبودن + متضاد هم نبودن + هم نوع بودن + امکان به اشتباه افتادن در نظر اول



همانندی است که باعث می شود تشخیص را مشکل سازد.»

متشابه، «آن چیزی است که به دلیل شدت همانندی به جای چیز دیگری قلمداد می شود و تشخیص بین آن ها مشکل می شود»

• هر قدر اسباب و ابزار مشاهده کامل باشد میزان تشخیص بالاتر رفته و میزان مشابهت کاهش می یابد.

• محکم و متشابه نسبی می باشند و ممکن است آیه ای نسبت به کسی محکم و نسبت به کس دیگر متشابه باشد.

تاثیر معنای متشابه در علوم پایه

در علوم پایه، شبهه، وجه همانندی است که باعث می شود تشخیص را مشکل سازد.

وجود وجه شبه باعث می شود که یک شیء با شیء دیگر از وجهی متشابه باشد و با شیء دیگر از وجه دیگر. بنابراین می توان دسته بندی های مختلف داشت و همچنین در اثر استفاده از این تشابه پدیده های جدید تولید کرد.

در ارزیابی یادگیری شکل فرد باید بتواند بین اشکال هندسی تفاوت قائل شود. در ارزیابی یادگیری مثل، فرد باید بتواند دو شکل مانند هم را تشخیص دهد. ولی در تشبیه فرد به اقتضای فهم و قدرت مشاهده اش بین دو شیء، وجوه همانندی را کشف می کند.

ویژگی های متشابه در روایات

• تشابه رابطه ای است که برای یک یا چند شیء اتفاق می افتد.

• قیاس دو شیء، مقدمه تشابه است.

• دو شیء متشابه، سنخیت نوعی با هم دارند. نمی توان گفت چون رنگ این دایره مثل رنگ آن مثلث است پس متشابهند.

• تشابه در ویژگی های مشترک قابل مشاهده و اظهار شده به وجود می آید. هر قدر اسباب مشاهده کارآمد و تام باشند، تشابه کمتر رخ می دهد.

• بیننده مشابهت، دو شیء را جابجا استفاده یا تلقی می کند.

• تشابه صد درصدی وجود ندارد.

جمع بندی معنای متشابه

شبهه، «شدت همانندی است که باعث می شود تشخیص را مشکل سازد».

تشبیه، «وانمود کردن و جایگزین کردن چیزی به جای چیز دیگر به دلیل شدت



طرح پژوهشی آلاء در زمینه گیاهان دارویی

روش‌های درمان و ارتقاء سلامت جامعه داشته باشیم.

برخی از فعالیت‌های در حال اجرا:

- ساخت ۲۰ داروی گیاهی در حوزه‌های بیماری‌های دستگاه تنفسی، بیماری‌های مفصل، بیماری‌های پوستی، روماتوئید، کودک و مادر و اخذ ده مجوز از سازمان غذا و دارو

- پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و طرح‌های دانشجویی در حوزه سرطان‌های دستگاه گوارشی، سرطان چشم، سرطان ریه، رتینوبلاستوما، آندومتریوز، نابوری مردان، تب و التهاب و ... با کمک جمعی از اساتید در پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها

- ارائه پروپوزال‌هایی برای استخراج و شناسایی ترکیبات موثره گیاهان دارویی در درمان سرطان معده و تکنیک‌های جدید برای استخراج مواد موثره گیاهان

- ادامه پژوهش‌های مربوط به مدل‌سازی گیاهان دارویی و شناسایی ترکیبات شیمیایی بدن و بررسی اثرات اقلیم

کارگروه عملیات مدرسه علوم پایه با همکاری مدرسه طب، در راستای تشکیل جمع‌های قرآن محور از متخصصین برای حل مسائل کشور، یکی از زمینه‌های کاری خود را از سال ۱۴۰۰ در حوزه مدل‌سازی گیاهان دارویی و استخراج نقشه ترکیبات بدن انسان آغاز کرده است.

در این راستا برای عملیاتی کردن مطالعات انجام شده در استفاده از گیاهان دارویی در درمان بیماری‌ها، پژوهش‌هایی را در قالب طرح‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی برای استخراج، شناسایی و بررسی اثرات آنها در فاز سلولی و حیوانی انجام داده است.

همچنین با کمک جمعی از دوستان داروساز و پزشکان محترم، در قالب شرکت دارویی شروع به فرمولاسیون، انجام کارآزمایی بالینی و اخذ مجوزهای تولید داروهای گیاهی نموده است.

برای گسترش این فعالیت‌ها در حوزه‌های تحقیق و پژوهش بر روی بررسی اثرات داروها و همچنین توسعه شکل‌های دارویی این گیاهان برای کاربرد وسیع‌تر و پرثمرتر از متخصصینی که در رشته‌های داروسازی، پزشکی و تغذیه و سایر رشته‌های مرتبط به این بحث دعوت به همکاری می‌کند تا انشالله بتوانیم در جمع قرآن پژوهان محترم راهکارهای بیشتر و موثرتری برای توسعه



زمینه‌های کاری مورد نیاز:

- همکاری افراد پژوهشگر در حوزه مطالعات مدلسازی به صورت استخراج مقاله و چاپ مقاله‌های بین‌المللی می‌باشد.

- همکاری در پژوهش‌هایی که جنبه استخراج اطلاعات از شیوه‌های درمان دارد و به منظور غنی‌سازی علمی افراد مجموعه تحقیقاتی بر علم رایج و قدیم می‌باشد، می‌تواند در صورت نیاز متناسب با سطح تحقیق با قراردادهای مالی همراه شود.

- انجام کارآزمایی بالینی زیر نظر استاد مربوطه انجام خواهد شد و در صورتی که آن طرح به تولید محصول برسد، مجری طرح کارآزمایی بالینی در سود حاصل از تولید محصول طبق قراردادهایی بهره‌مند خواهد شد.

ضوابط کار:

- تعهد به انجام پروژه‌های مشترک در زمان مقرر
- ارائه نتایج کارها به صورت مکتوب و کامل که قابلیت استفاده در مراحل مختلف پروژه را داشته باشد.
- کارهایی که به صورت مقاله چاپ می‌شود نیاز به همکاری پژوهشگر تا پایان چاپ مقاله دارد.

- انجام کارآزمایی بالینی

- استخراج مکانیسم‌های دارو و بررسی اثرات دارو در رده سلولی و مدل‌های حیوانی
- ارائه طرح‌هایی در حوزه سلامت که به تغذیه، دارو یا شیوه پیشگیری و درمان بیماری‌ها مربوط شود.

- استخراج ترکیبات موثره گیاهان دارویی و شناسایی آنها

- دسته‌بندی ترکیبات موثره گیاهان دارویی و ایجاد ارتباط بین آنها و بیماری‌ها

- استخراج انواع شیوه‌های درمان در طب قدیم و جدید و مشخص کردن مزایا و معایب هر یک.

نحوه همکاری:

- ارائه طرح‌های مشترک کارگروه عملیات با اساتید در قالب پایان‌نامه یا طرح‌های دانشگاهی یا پژوهشگاهی و بر اساس قراردادهای کاری بین شرکت و پژوهشگران تا رساندن پروژه‌ها به تولید می‌باشد.

- ارائه طرح‌های تولید دارو یا تولید محصول غذایی به شرکت از سوی ایده‌دهندگان در قالب فرمت مشخص شرکت و پیگیری مجوزها و تولید محصول از سوی شرکت بر اساس تنظیم قراردادهایی بین صاحب ایده و شرکت صورت می‌پذیرد.



نمونه‌هایی از قراردادهای و توافق‌نامه‌هایی به پیوست ارائه می‌شود و متناسب با نوع فعالیت و شرایط دانشگاه یا پژوهشگاه قراردادهای و توافق‌نامه‌ها قابلیت اصلاح و تغییر دارند.

مسیر ارتباط برای مشارکت در طرح‌ها با خانم دکتر دوستی:

• hanifdarou@gmail.com

• https://ble.ir/r_doosti

• پروژه‌هایی منجر به ثبت اختراع در حوزه‌های دستگاه‌ها و روش‌های مرتبط با حوزه سلامت می‌شود نیاز به همکاری ارائه‌دهندگان طرح تا پایان مراحل کار دارد.

• شرکت مکانی برای انجام آزمایش‌های سلولی مولکولی و شیمیایی را ندارد و فضاهای آزمایشگاهی یا از سوی اساتیدی که در قالب پایان‌نامه و طرح وارد همکاری شده‌اند تأمین می‌شود یا از طریق پارک‌های علم و فناوری و سایر مراکز توسط تیم پژوهشی فراهم خواهد شد.

• امکان حضور در شرکت برای پژوهشگران با توجه به محدودیت فضا فقط بعد از بررسی شرایط و در صورت نیاز به صورت محدود فراهم خواهد شد.

• در تأمین هزینه‌های مربوط به پژوهش‌ها با توجه به نوع فعالیت و در صورت نیاز شرکت مشارکت خواهد داشت.

• ایده‌هایی که از سوی تیم عملیات در اختیار اساتید و پژوهشگران قرار داده می‌شود تا آخرین مرحله رسیدن به محصول و خروجی امانت است نزد آنها و طرح بحث آن در غیر موضع تحقیقاتی خارج از قاعده کارها می‌باشد.

• تیم ایده‌دهنده عملیات، در مراحل مختلف از تهیه دارو و عصاره‌ها و ... همراه محقق خواهد بود و بسته به نوع پروژه آنچه لازم است در اختیار قرار داده می‌شود.

• ساخت داروها در بچ آزمایشگاهی جهت انجام کارآزمایی بالینی توسط شرکت انجام می‌شود.

اخبار آبان ماه

سومین دوره طرح آلاء در پاییز امسال شروع به ثبت نام کرد. این دوره با تفاوت‌هایی برگزار شد. از جمله برگزاری پیش دورهای جهت آشنایی مخاطبان و ورود بهتر به دوره آموزشی. این دوره ویژه اساتید و پژوهشگران رشته‌های علوم پایه و مهندسی است که مشغول کارهای پژوهشی و تخصصی هستند و از طرف گروه تخصصی عملیات‌ها پژوهش محور برگزار و پشتیبانی می‌شود.

کارگاه‌های تخصصی آلاء با موضوع کتاب‌های جانبی که لازم است در سیر تدبیر خوانده شوند در حال اجرا هستند. این کارگاه‌ها هر سه هفته یکبار جمعه‌ها برگزار می‌شوند. شرکت حضوری در این جلسات موجب ارتقای سطح کیفی ارائه‌ها و انتقال مطلب خواهد بود. تا کنون سه کارگاه با عناوین ساختار وجودی انسان، سوال و تفکر اتمی برگزار شده است. با مراجعه به کانال مربوطه می‌توانید از زمان برگزاری کارگاه‌ها مطلع شده و از صوت جلسات قبل استفاده نمایید.

<https://ble.irkargahhayealae>

نیت جمع ما نشر معارف قرآنی در قالبی جذاب و محتوایی غنی است. اگر در این راستا ایده‌ای برای بهبود مطالب نشریه به نظرتان میرسد بسیار خوشحال می‌شویم که با ما در میان بگذارید.

<https://ble.ir/hmofidi>